

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۹
یکشنبه ۱۵ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

توطئه جدید امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس

بیانیه رهبری
جبهه خلق
برای
آزادی
عمان
درباره توطئه جدید
امپریالیسم امریکا در
منطقه خلیج فارس
در صفحه ۲

خود خواندند و آنرا مردود شمردند.
سلطان قابوس پیشنهادی را به کشورهای منطقه
خلیج فارس ارائه نمود مبنی بر اینکه، در این منطقه
بخاطر حفظ امنیت، یک پیمان نظامی از کشورهای
منطقه، با شرکت ایالات متحده امریکا، انگلستان و
آلمان غربی منعقد شود.
قبل از هر چیز باید خاطر نشان ساخت که این
پیشنهاد نه به ابتکار رژیم قابوس مطرح میشود و نه
پیشنهاد تازه است.
از سالهای شصت، امپریالیستهای امریکا و
انگلستان، که بعزت گسترش جنبشهای رهایی بخش
و مبارزات استقلال طلبانه خطتهای منطقه، آینده این
بقیه در صفحه ۲

ایران برنامه‌ای را که از سوی رژیم سلطان
قابوس برای تامین امنیت خلیج فارس مطرح
شده، رد کرده است. این مطلب را دکتر علی
شمس، سفیر ایران در کویت، در یک مصاحبه
مطبوعاتی عنوان کرد. وی گفت که ایران با تبدیل
خلیج فارس به منطقه درگیریهایی بیسن‌المللی
مخالف است و تامین امنیت خلیج فارس صرفاً
کار کشورهای این منطقه است.
پیشنهاد سلطان قابوس که بوسیله فرستاده
های وی به کشورهای این منطقه ارائه گردید،
مورد پذیرش هیچیک از این کشورها قرار
نگرفت. علاوه بر ایران، عراق، کویت، و یمن
دمکراتیک نیز این برنامه را متقابلاً مصالح‌مندی

ما هشدار میدهیم:

شرایط حساس کشور حکم می‌کند که دولت هر چه زودتر برای
کاهش قیمت‌ها برنامه‌ای تدارک ببیند و آن را اجرا کند.

قیمتها به مرز خطر میرسد!

چندروز پیش شیرگران شد. از طریق روزنامه‌ها اعلام شد که به هر
بهر شیر یک لیتری ۸ ریال افزوده شده است. گرانی شیر در شرایطی
اعلام میشود که: «قیمت‌ها دارند بالا می‌روند و به مرز خطر میرسند.»
(انقلاب اسلامی - ۱۰ مهر)
مدیر عامل شرکت شیر در توجیه گرانی شدن شیر، این غذای حیاتی،
که یکی از مایحتاج اصلی مردم و زحمتمکشان است، گفت:
«دولت هر ساله مبلغ قابل ملاحظه‌ای به دامداران کمک می‌کند تا
شیر به قیمت ارزان به دست مصرف‌کننده برسد. ولی شورای اقتصاد تصمیم
گرفت، این را به تدریج قطع کند. دولت در سابق شیر را هر لیتر ۳۳ ریال
از دامدار خریداری می‌کرد ولیتری ۱۵ ریال در اختیار مصرف‌کننده
قرار میداد.»

گذشته از اینکه این سخنان به ضد
انقلاب فرصت بهره‌برداری میدهد، در
عین حال نشان دهنده مشکلات عمیقی در
اقتصاد کشور نیز هست. که بلافاصله بر
روی قیمت‌ها منعکس میشود. واقعیت این
است که:
«اقتصاد ایران اگر خود تولید
کننده بود، افزایش قیمت‌ها از حدی که
میگذشت خطرناک میشد. اکنون که خود
تولیدکننده نیست، ناگزیر باید با
واردات تورم را مهار کرد و یا قیمت‌ها
همچنان بالا خواهند رفت و بحران
اقتصادی، بزرگتر و غیر قابل تحمل خواهد
شد.» (انقلاب اسلامی - ۱۰ مهر)
گشتی در بازار خرید و فروش دادن به
حرف‌های خریداران، که کم کم از زمنه
و پیچیده به اعتراض تبدیل میشود، این
واقعیت را به همه آنها، که به سر نشوشت
انقلاب ایران علاقه دارند، گوشزد میکند
که،
در صورت ادامه وضع موجود و
افزایش نرخ کالاها بدون تهیه و تدارک
کار و پیدا کردن راه‌های ایجاد درآمد
برای مردم، موج نارضایتی بالا خواهد
گرفت و همانگونه که نرخ کالا افزایش
می‌یابد، بعزت گرانی، درخواست کننده
کمتری می‌یابد و باز ناگزیر افزایش
قیمت بیشتری برای حفظ واحد نیاز است
که مشتری بر مراتب کمتر خواهد شد و
شاید به رکود و یا تعطیل واحدها هم
بکشد.»
(اتحاد بزرگ - ۱۰ مهر)
باضافه، مهار نکردن گرانی بحران
عمیقی در کشور منجر خواهد شد که،
«بحران سیاسی بدنیال می‌آورد که
بسته به کم و کیف آن، تغییرات سیاسی را
تحمل میکند. این تغییرات می‌توانند
بسیار شدید و خطرناک باشند.»
(انقلاب اسلامی - ۱۰ مهر)
چنین چشم‌اندازی، در شرایط کشور

ما، تنها و تنها بسود امپریالیسم تمام
میشود. شرایطی که خود امپریالیسم بسا
استفاده از شیوه‌های گوناگون اقتصادی،
در دید آمدنش نقش اصلی را داشته و
دارد. شرایطی که نظیر آن در خیلی توانست
به فاجه‌ای به عظمت و درناکی سقوط
دولت ملی آینده کمک کند.
برای جلوگیری از این بحران،
باید ماهیت گرانی را شناخت و بسا آن
بر خورد درست عینی کرد. تورم پدیده‌ای
است که در نتیجه افزایش پول در مجاری
کالا، به میزان بیش از حد لازم برای
مبادله کالا، به وجود می‌آید. این فزونی،
باعث کاهش ارزش پول، بالا رفتن بهای
کالاها و در نتیجه یا ثبات آمدن سطح زندگی
زحمتکشانی میشود که درآمد آنها ثابت
است و هیچگاه مناسب با افزایش‌های
کالاها مصرفی بالا نمی‌رود. زیرا در
یک نظام سرمایه‌داری، هم افزایش قیمت‌ها
بدست سرمایه‌داران است، که هر وقت
لازم دیدند قیمت‌ها را بالا می‌برند، و هم
افزایش دستمزد، که هرگز لازم نمی‌دانند
آنرا افزایش دهند.
باین ترتیب تورم و گرانی پدیده‌ای
است عینی و ناشی از قانونمندیهایی نظام
سرمایه‌داری. گرانی هم که یکی از مظاهر
تورم است، خصیلت عینی دارد و نباید آنرا
با پدیده گرانی‌فروشی، که اگر هم محرک آن
تورم باشد، و لی بهر حال یک پدیده
اخلاقی است، یکسان دانست.
با اینکه تورم پدیده‌ایست عینی،

از: احسان طبری

تحلیلی از اوضاع جهان

بعزت توقیف بدون
دلیل «مردم»، در انتشار
سلسله مقالات «تحلیلی
از وضع جهان» وقفه
حاصل شد. اینک برای
یادآوری، به چاپ
دوباره اولین قسمت این
مقاله اقدام می‌کنیم و
سپس به انتشار دنباله
آن ادامه می‌دهیم.
در صفحه ۴

درباره مصوبات
مجلس خبرگان (۲)
ادامه
بررسی
اصول
قانون
اساسی
در صفحه ۳

رفقای حزبی! هواداران و دوستانان حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها،
بیانیه‌ها و...) منتشره در
«مردم»، ارگان مرکزی
حزب توده ایران، را با
استفاده از تمام امکانات،
بوسیله تریبون شکل تکثیر
کنید و به توده‌های مردم
ببرسانید. در شرایط
حساس کنونی این یک
وظیفه مبرم انقلابی است.



کمیته مرکزی حزب توده ایران پنجاهمین سالروز تولد یاسر عرفات را تبریک میگوید

نقشی که شما برادر عزیز ما
در تحکیم سازمان آزادیبخش
فلسطین، در تشکیل جبهه متحد همه
نیروهای رهایی بخش فلسطین،
در پی ریزی مبنای سیاسی و تاکتیکی
و استراتژی مبارزه عادلانه خلق
فلسطین علیه صهیونیسم اشغالگر و
تجاوزکار و حامیان امپریالیستی
آن، بر کردگی امپریالیسم
امریکا، و در راه آزادی وطن اشغال
شده و تامین حق تعیین سرنوشت
برای خلق فلسطین ایفاء کرده و
میکنید، مورد تحسین و تقدیر حزب
ما و خلق آزادی دوست و مبارزان ایران
است.
در شناخت دوست از دشمن و
تکیه بر دوست واقعی علیه دشمن،
که یکی از مشخصات جنبش
آزادیبخش فلسطین است، شما
برادر عزیز ما، نقش بزرگی ایفاء
کرده و میکنید.
در سالروز خجسته تولد شما،
بمناسبت پشتیبانی بیدریغ خلق
فلسطین و سازمان آزادیبخش
فلسطین از جنبش انقلابی مردم
ایران و انقلاب بزرگ ما، تحت
رهبری امام خمینی، از خلق برادر
فلسطین و سازمان آزادیبخش
فلسطین و شخص شما صمیمانه تشکر
میکنیم. ما از دل خوشوقتم که
نخستین رهبر عالی قدری که پس از
پیروزی انقلاب به مین ما آمد،

شما بودید. ما خوشحالیم که پس از
پیروزی انقلاب در مین ما، نمایندگی
سازمان آزادیبخش فلسطین امکان
یافت که در کشور ما استقرار یابد
و در راه تحکیم و گسترش مناسبات
برادرانه بین خلقهای ایران و
فلسطین بکوشد.
حزب توده ایران، بر اساس
سیاست اصولی و انقلابی خود،
سازمان آزادیبخش فلسطین را
یکانه نماینده واقعی خلق فلسطین
میداند، توطئه‌های امپریالیسم
امریکا، اسرائیل و حکومت خان
سادات را، که آخرین آن‌ها موافقتنامه
کمپ دیوید است، محکوم میکند

کمیته مرکزی حزب
توده ایران طی نامه‌ای
پنجاهمین سالروز تولد
یاسر عرفات، رهبر سازمان
آزادیبخش فلسطین را
تبریک گفته است. متن این
تبریک بشرح زیرین است:
رفیق یاسر عرفات، رهبر سازمان
آزادیبخش فلسطین
رفیق عزیز!
کمیته مرکزی حزب توده
ایران از جانب خود و همه اعضا
حزب، پنجاهمین سالروز تولد شما
را صمیمانه تبریک میگوید و سلامت
و طول عمر و توفیق شمار در خدمت
یخلق قهرمان و مبارز فلسطین
آرزو میکند.

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود

اطلاعیه کارگران متحصن تکنو کار

برادران کارگر، کارفرمایان، که اتحاد آهنین ما کارگران را در طول شش ماه بعد از قیام دیده، چندین بار سعی کرد که با بستن کارخانه اتحاد ما را هم در هم بشکنند و این اولین باری نیست که با بهانه های مختلف و با توطئه او روبرو می شویم.

با راول، فروردین ۵۸، کارخانه را مدت ۱۵ روز تعطیل کرد و بعد از تمام شدن تعطیلات، وقتی ما به کارخانه آمدیم، با در بسته و اطلاعیه کارفرما مبنی بر اینکه چون پروژه شرکت خوابیده است، کارخانه نیز تعطیل است. البته کارگرانی که در جریان قیام یادگانه ای ارتش امریکائی شاه مزدور را فتح کرده اند، برایشان باز کردن در کارخانه و اشغال کارخانه اهمیتی نداشت. کارخانه را باز کردیم و شروع بکار کردیم. با دردم کارفرما میخواست به بهانه نبودن جنس کارخانه را تعطیل کند، اما کارگران برای پیدا کردن جنس به بازار رفتند و تمام اجناس لازم را در بازار پیدا کردند. اما کارفرما که

هدفش اخراج ما کارگران بود، بهانه یول نداشتن را پیش کشید، اما مادرنامه ای خطاب به کارگران و مسئولین مملکت نقش ضد کارگری و ضد انقلابی او را افشا نموده و توطئه کارفرما را خنثی کردیم. با رسوم بعد از قیام قهرمانانه بهمن ماه، کارگران ایران، که دیگر حاضر نبودند مثل گذشته برای سرمایه داران وابسته ایرانی سرمایه داران خارجی ۴۸ ساعت یا بیشتر کار کنند مسئله ۴۰ ساعت کار را مطرح کردیم و آنرا در کارخانه خودمان عملی کردیم، اما کارفرما بعد از دو ماه بکمک وزارت کار ۴۰ ساعت کار را غیر قانونی اعلام کرده بود. کارفرما اقدام انقلابی ما را ضد انقلابی خواند و ما را بر سر دوراهی تعطیل کارخانه یا ۴۸ ساعت کار قرار داد. ما موافقت برای ادامه کار کارخانه کوتاه آمدیم تا نقشه شوم کارفرما عملی نشود. با رچه چهارم که کارفرما در برابر اتحاد و مبارزه کارگران ما ناجز شده بود، برای ادامه کار کارخانه خواستار عدم دخالت شورا در مدیریت کارخانه و پاکسازی

کارخانه از عوامل ضد انقلابی و تخلیه انبار کارخانه شد. ما برای خنثی کردن توطئه جدید کارفرما، ضمن قراردادی در وزارت کار، متعهد شدیم که شورای ما در مدیریت کارخانه دخالت نکند و بعد از آمدن مدیر فنی و راه افتادن کار مانع خروج جنس از انبار نشویم و برای پاکسازی نیز خودمان اقدام کردیم و یکی از افراد توطئه گر را، که جاسوس کارفرما بود و میخواست علیه کارگران به دستور کارفرما پرونده سازی کند، شناسائی کردیم و درصدد اخراجش هستیم. اما کارفرمای مزدور از ۵ ماده قرارداد وزارت کار فقط یک ماده آنرا عملی کرد و آن نیز نبودن جنس در انبار بوده و حتی یک کامیون مواد اولیه را نیز از کارخانه بیرون برد، ولی از دیگر ماده های قرارداد مبنی بر آمدن مدیر فنی، تامین جنس و راه افتادن کارخانه خبری نشد. با رنجیم حالا کارفرما در نامه ای که به کارخانه فرستاده، کارگران را تهدید به اخراج کرده و از آنها خواسته روزی ده نفر به حسابداری شرکت بیایند و تسویه حساب کنند. برادران کارگر، کارفرمای مزدور ما در حالیکه در امریکا با خانواده اش در ویلاهای امریکائیش اربابانش مشغول خوش گذرانی است، ما حتی کرایه خانه و پول شیر خشک بچه نداریم.

توطئه جدید امپریالیسم امریکادر منطقه خلیج فارس...

«اگر دولتی واقعا حسن نیت دارد، چرا باید نیروهای خارجی را از آنسوی اقیانوس دعوت کند که در این منطقه مستقر شوند؟ این نیروها منافعی ملی کشورهای منطقه را تامین نمیکنند و خود عامل بروز تشنجات هستند.

سلطان قابوس میگوید ما میخواهیم امنیت تنگه هرمز را تامین کنیم. خود او در جزیره معیره به امریکا پایگاه داده است... وقتی میگویند ما علاقمند به تامین امنیت منطقه هستیم، این امنیت برای کیست؟»

بنظر ما، امنیت مورد نظر امریکای رژیم قابوس برای کسانی است که امنیتشان با امنیت ما و خلفتهای این منطقه در تضاد است. ما ضمن تأیید روش دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در رد این طرح جدید امپریالیستی، که آشکارا با استقلال، صلح و امنیت ایران همه کشورهای خلیج فارس در تضاد است، از دولت می طلبیم که با بشپاری و قساطمیت هرگونه توطئه امپریالیستی را افساء و محکوم کند. ما با رد دیگر هشدار میدهم که تاخیر و تردید در لغو قرارداد دوجانبه نظامی ایران و امریکا، قراردادی که آشکارا استعماری است و با استقلال ما میانبت بی چون و چسرا دارد، امپریالیسم امریکارا در ادامه توطئه گری هائی از این قبیل دلگرم میکند و لذا می طلبیم که این قرارداد استقلال شکن و سایر قراردادهای اسارت آور امپریالیستی بی درنگ لغو شود.

مبتکرین امپریالیستی این برنامه را بهم ریخت و یکی از مهره های اصلی اجرای این برنامه از صحنه خارج شد. شکستهای سنگینی که پس از پیروزی انقلاب ایران بمواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم امریکادر این منطقه وارد آمد، این کشور را بر آن داشت که طرحهای تازه ای، ولی باهمسان مضمون پیشین، مطرح کند تا شاید از این راه بتواند این شکست را جبران کند و کشورهای این منطقه، از جمله ایران را، زیر عنوان «امنیت منطقه خلیج فارس» به پیمان نظامی امپریالیستی جدیدی وارد سازد. ایجاد نیروی صدوده هزار نفری برای اعزام به منطقه خلیج فارس، پیاده کردن واحدهای نظامی مصر در عمان، تقویت پایگاههای نظامی امریکا در بحرین و معیره، که از جانب رژیم سلطان قابوس در اختیار امریکا گذارده شده و پیشنهاد رژیم سلطان قابوس، همه از موارد برنامه واحدی هستند که امپریالیسم امریکای برای بازگرداندن و حفظ سلطه نظامی و اقتصادی و سیاسی خود در این منطقه طرح کرده است.

دکتر علی شمس، سفیر ایران در کویت، طی مصاحبه ای پیرامون مسئله امنیت منطقه خلیج فارس خاطر نشان میکند که:

«اکنون پیاده کردن سیاستهای امپریالیستی در این منطقه بسیار مشکل تر از گذشته است.»

وی با اشاره به پیشنهاد سلطان قابوس متذکر میشود که:

منطقه را برای منافع اقتصادی و مواضع سیاسی و نظامی خود، نامطلوب میدیدند، برای تامین منافع خود در منطقه اقیانوس هند، دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس طرحهای ریختند که هزینه آن میبایست بوسیله رژیمهای سرسپرده به آنها، بخلفتهای کشورهای این منطقه تحمل شود. مجریان اولیه این طرحها رژیم شاه مخلوع، مراکش و اسرائیل بودند. پس از روی کار آمدن سادات در مصر و خیانتش به خلفتهای عرب و نیز پس از کودتا در عمان و برقراری رژیم سلطان قابوس در این کشور، این دور رژیم سرسپرده نیز به فعالیت برای پیاده کردن این برنامه امپریالیسم امریکا و انگلیس پیوستند.

رژیم شاه مخلوع، که هم از لحاظ سرسپردگی به امپریالیسم امریکا و هم از نظر امکانات نظامی و اقتصادی بر دیگران ارجحیت داشت، در راه پیاده کردن این برنامه بیش از همه کوشا بود. لشکرکشی ارتش ایران به ظفار، بخاک و خون کشیدن جنبش رهایی بخش خلق عمان، توطئه و تحریک علیه جمهوری دموکراتیک خلق یمن و دیگر کشورهای مستقل ملی منطقه، همه کوششهای بود برای هموار کردن راه بمنظور اجرای این برنامه. اما پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، که یکی از اهداف عمده آن از بین بردن وابستگی به امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم امریکا و مبارزه برضد سیاستهای امپریالیسم در منطقه بود، محاسبات

برادران کارگر، ما هیچ چیز نداریم که از دست بدهیم. کارفرما تا بحال به ما برچسب «مازاد» زده است و ما از برچسبهای کارفرما ترسی نداریم و بنا بر این ما کارگران تکنو کار خواستار دولتی شدن کارخانه هستیم.

«هرگز بر سرمایه داران وابسته»

از طرف کارگران متحصن تکنو کار

در مطبوعات کشور

در مجلس خبرگان بیست جور اسلام هست

اسلام ده پانزده جور است. الان در این مجلس خبرگان بیست جور اسلام است. بنا بر این باید مسا له را آورد با اینکه ما بگوئیم تسوحد اسلامی چیست؟ آیا ما به مردم حق می دهیم فکر کنند یا نه؟ (حجت الاسلام غفوری، نماینده مجلس خبرگان، انقلاب اسلامی - ۱۲ مهر)

باید در مواد قانون اساسی صحیح نیست

شکل های مختلف حکومتی که تا بحال وجود داشته اند، منتهای پذیرش و انتخاب مردم، ادامه نیافته اند. زمانی يك قدرت در جامعه تداوم پیدا می کند که مردم بخواهند، اگر مردم پذیرای آن نباشند محکوم به زوال است. بعضی از موادی که در قانون اساسی نوشته می شود، این هشدار دارد که مردم بخواهند یا نخواهند، باید این چهارچوب را بپذیرند. بسیاری از چهارچوبهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را که همین می شود، مردم باید بپذیرند. این معنای باید صحیح نیست، چون اگر مردم نظارت اصامت را از دید عقیده شان و ایما نشان بپذیرند، پیاده میشود، والا پیاده نخواهد شد.

(حجت الاسلام موسوی اصفهانی، نماینده مجلس خبرگان، انقلاب اسلامی - ۱۲ مهر)

بیانیه رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان درباره توطئه جدید امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس

صورت منطقه ای فارغ از بلوکهای متخاصم و نیروهای مسلح خارجی در آید، زیرا تنها از این طریق است که امنیت و ثبات این منطقه و همراه با آن امنیت راههای کشتیرانی نیز تامین میشود.

در پایان بیانیه جبهه خلق برای آزادی عمان آمده است، طرح امنیتی که از سوی سلطان نشین عمان مطرح شده است. اساساً يك طرح امریکائیست و باید علیه رژیم مسقط، که چنین سیاستی را بر ضد مردم منطقه مطرح میکند، اقدامات قاطعی به عمل آید، اقداماتی از قبیل محروم کردن آن از عضویت در اتحادیه عرب و پایان دادن به هرگونه کمک و حمایت ممالک عرب از این کشور.

است و این اتهام رژیم سلطان قابوس را، که جبهه مذکور در صدد بستن این راه آبی مهم بین المللی است، رد میکند.

در بیانیه مذکور آمده است که طرح های امریکا و حضور نظامی امریکا، برنامه واشنگتن برای ایجاد بلوکهای متخاصم و حمایت از رژیم هائی از قبیل رژیم قابوس، همه و همه واقعا امنیت منطقه و مردم ساکن آن را به مخاطره می افکند، افزایش تشنج را تسهیل میکند و بالاخره صلح جهانی را تهدید مینماید.

جبهه خلق برای آزادی عمان خواستار آزادی عمان از حضور نیروهای خارجی شد، تا از این طریق خلیج فارس به

دریا نوردی در خلیج فارس و تنگه هرمز، جزیک دروغ و حیل تبلیغاتی برای توجیه دخالت نظامی خارجی، و در رأس همه امریکا، در امور کشورهای ساحلی، چنین دیگری نیست. دروغین بودن این همچون های تبلیغاتی هنگامی آشکار شد که سلطان عمان طرحی را برای يك پیمان نظامی طرفدار امپریالیسم، تحت نظارت و سرپرستی ایالات متحده امریکا پیشنهاد کرد. امریکا قبلا اعزام کارشناسان نظامی خود را به جزیره معیره در عمان آغاز کرده است. جبهه خلق برای آزادی عمان تأکید میکند که رهبری این جبهه با امنیت عبور کشتی ها از تنگه هرمز موافق

اعتصاب و بلانکلیفی ماههای بعد از انقلاب - که تا حدود زیاد دولت خود مسبب آن بود - آسان نبوده. (انقلاب اسلامی - ۱۰ مهر)

باید باین همه افزود که دولت، متاسفانه، علاوه بر اینکه هنوز موفق نشده است که به بی سامانیهای موجود در تولید و توزیع و امور مالی، که از رژیم سابق به ارث برده، پایان دهد، تاکنون سیاست، نقشه و برنامه ای هم برای مبارزه با گرانی عرضه نکرده است. در حالیکه شرایط حساس کشور حکم می کند که دولت هر چه زودتر برای، کاهش قیمت ها برنامه ای تدارک ببیند و آنرا اجرا کند.

ما بارها، در شماره های پیشین «مردم»، در باره سیاست های کوتاه مدت و دراز مدت مبارزه با گرانی سخن گفته ایم و باز هم در این باره سخن خواهیم گفت.

قیمت ها به مرز خطر میرسد!...

«به هر حال مردم از کوچک شدن و گرانی نان می نالند.»

کیهان در همین گزارش، از قول کارگران ناواژی نویسد:

«این سرمایه دارها قیمت نان را مرتب گران می کنند، اما تفاوتی در وضع زندگی ما پیدا نمی شود.»

چرا گرانی ادامه دارد؟

علت مهار نشدن گرانی این است که پس از انقلاب ایران، بعلت قطع نشدن ریشه های نفوذ امپریالیسم در ایران، نظام سرمایه داری با تمام قانون مندیهای خود بر اقتصاد ایران حکم فرماست. علاوه بر این، امپریالیسم برای از یا در آوردن انقلاب، دست به نوعی محاصره اقتصادی ایران زده است، که از جمله می توان از صادر نکردن بسیاری از مواد

بقیه از صفحه ۱

تازه که از سوی وزارت نیرو اعلام شده است، مردم ناگزیرند مبلغی بیش از گذشته بپردازند.

برق تنها موردی نیست که نرخ اضافه ای برای آن در نظر گرفته شده. در طی ماه های گذشته سرعت شاهد افزایش کالاها و دیگر نیازهای مردم بوده ایم و حتی اتوبوسها با کمربندی شدن نرخ بالاتر و تازه ای یافتند.

(اتحاد بزرگ - ۱۰ مهر)

مورد دیگر، گرانی نان است. روزنامه کیهان در گزارشی که روز ۱۲ مهر چاپ کرده، درباره گران شدن نان می نویسد: «نان مصرفی مردم هر روز لاغر تر و گرانتر میشود. ظرف ۴-۵ سال اخیر، قیمت انواع نان، که غذای اصلی مردم است، ۲ برابر شده.»

کیهان اضافه می کند:

«مردم»
ارگان مرکزی حزب توده ایران
نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹
چاپ: کلویان

ادامه بررسی اصول قانون اساسی (۴)

درباره کارهای مجلس خبرگان بطور کلی و ستمگری ویژه آن، که با هدف اولیه و وظیفه مشخص این مجلس، بعنوان بررسی کننده نهایی پیش نویس تقدیمی مردم ایران در خرداد ماه گذشته، متغیر است و همچنین پیرامون سیزده اصل از اصول قانون اساسی، به ترتیب تصویب آنها در مجلس خبرگان، بررسیهایی در شماره های پیشین مردم انجام دادیم. بدنبال بحثهای قبلی، اینک مواد و اصول دیگری را، که از تصویب خبرگان گذشته، مورد بررسی قرار میدهم.

اصل چهاردهم مربوط بحاکمیت ملی است. در پیش نویس نوشته شده بود، «حق حاکمیت ملی از آن همه مردم است و باید به نفع عموم بکار رود...» این یک مطلب درست و صریح بود. اما در متن تصویب شده آمده است، «حاکمیت مطلق بر جهان و اسلام از آن خداست و هم او انسان را بر سر نوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است...» می بینیم که مسئله بر سر تصحیح و تکمیل نیست. نص و روح ماده بکلی عوض شده. در اینجا بازم با نمونه دیگری از عواقب کوشش برای پیاده کردن اصول عقاید مکتبی و دیدگاههای فلسفی در یک سند حقوقی و قضائی، که قانون اساسی است، زور و ستم، مسلماً حتی اسلام شناسان و اردنیز این فرمول بندی یا ماشا به آنرا، که در یک عبارت کوتاه، تمام نظر گاه مکتب را خلاصه کند، کافی و وافی نمیدانند و باین اصل خرده خواهند گرفت، زیرا که اصولاً جای چنین خلاصه کردن نظریات فلسفی، در قانون اساسی نیست. ملموس ترین و مهمترین نتیجه ای که در عمل از این کوشش بدست می آید، عبارتست از کاستن از سراجت و دقت یک سند مهم قضائی و حقوقی وزیر علامت گذاشتن حاکمیت خلق یا حاکمیت ملی در حالیکه درست همین مطلب میبایست در قانون اساسی بروشنی بیان شود و حاکمیت ملی بدون هیچ خدشه ای و لااقل همانطور که در متن پیش نویس بود، از آن همه مردم شناخته شود و طاق اعمال آن تعیین گردد، همانطور که در این باره، کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز نظر اصلاحی خود را در نامه به هیئت دولت در خرداد ماه ارسال داشته است. عدم سراجت اصل مزبور موجب شده است که مجلس خبرگان نتواند اصول ۱۶ و ۱۵ را، که مربوط به قوه ملت باشد، تدوین کند و آن مواد را مسکوت گذاشت تا بعد راه حلی برایشان پیدا کند، در حالیکه اگر اصل حاکمیت ملی آشکارا بی تردید بیان میشد و مسلماً میگردید که حاکمیت تماماً و کلاً در جمهوری اسلامی ایران متعلق به مردم است. آنگاه مواد مسکوت مانده هم براحتی و بتبع، راه حل منطقی و انقلابی خود را می یافت و در کوره راه بحثهای بی سرانجام، که قاعدتاً نمیبایست بقانون اساسی مربوط باشد نمی افتاد.

اصل هفدهم درباره چگونگی اعمال قوه مقننه است، که از طریق مجلس شورای ملی هر کب از نمایندگان منتخب مردم صورت میگردد. در این مورد تفاوت ماهوی بین پیش نویس و متن تصویب شده نیست. نظر ما که در اصلاحات پیشنهادی خرداد ماه عرضه شده اینست که، بهترین راه عبارت از این میبود که تصریح میگردد، مجلس شورای ملی هر کب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور قدرت مرکزی را اعمال میکند و در استانها و شهرستانها و شهر و ده شوراهای مربوطه، که توسط اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند. طبق اختیارات مشخص و در چارچوب معینی که در مورد امور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیتها و وظائف خویش دارند، حاکمیت خلق را اعمال کنند.

اصل ۱۹ مربوط است به اعمال قوه قضائیه. در اینجا نیز بظاهر تفاوت چندانی بین متن پیش نویس، که به مردم ایران عرضه شده و بخاطر بررسی آن انتخابات مجلس خبرگان بعمل آمد، و متنی که این مجلس تهیه کرده، دیده نمیشود. ولی در واقع وظیفه دادگاههای دادگستری، از متن قدیمی، «اجرای عدالت اسلامی» و در متن جدید «اجرای عدالت واقعه حدود الهی» نوشته شده است. واضح است که عبارت «عدالت اسلامی» دست قانونگذار و قوه قضائیه را در اجرای عدالت، مطابق با تکامل جامعه و شرایط امروز، بیشتر از آنکه گذاشت در حالیکه «حد زدن»، با دایره ویژه خویش، نه تنها دارای آنچنان بعدی نیست که پاسخگوی زمان باشد، بلکه با شرایط کنونی، که امکانات نوئی را برای تعیین کیفیت و میزان آن و نحوه مجازات بوجود آورده، سازگار نیست.

در پیش نویس قانون اساسی، که آن نیز توسط مسلمانان متعهد و وارد تهیه شده وسیعی شده بود که روح احکام دینی در آن ملحوظ بماند، باین نکته توجه شده و فرمول بهتری پیشنهاد شده بود، که در متن مصوبه از آن عدول شده است.

اصل مهم دیگر مربوط بزبان فارسی است، که مستقیماً با حقوق مردمی که در ایران زندگی میکنند و بزبان دیگری سخن میگویند، ارتباط دارد. در این باره نیز خبرگان چنان تغییری در متن پیش نویس داده اند که آنرا بکلی تحریف نموده و میلیونها ایرانی را از یک حق بدیهی و ابتدائی محروم کرده اند و در نتیجه امر بسیار مهم وحدت داوطلبانه آنها را در چارچوب ایران واحد و تجزیه ناپذیر در معرض خطر جدی قرار داده اند.

مطلب بر سر چیست؟ در پیش نویس گفته شده بود که «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و متون و مکاتبات رسمی باید با این زبان و خط باشد، اما تصریح کرده بود که استفاده از زبانهای محلی در مدارس و مطبوعات محلی آزاد است. یعنی آموزش در مدارس آن نواحی که ساکنانش بزبان دیگری جز فارسی تکلم میکنند، بهمان زبان مادری کودک دبستانی خواهد بود. و این کاملاً بدیهی و در جمهوری اسلامی ما کاملاً قابل انتظار بود. اما مجلس خبرگان آمده است و تحصیل در مدارس را بزبان مادری برای خلقهای غیر فارس ساکن ایران منع کرده و تحصیل زبان فارسی را نه فقط برای فارسی زبانان، بلکه برای میلیونها کودک آذربایجانی و ترکمن و کرد و عرب و بلوچ و فیره، که تا دم زنده، در خانه و کوچه و شهر و دیار خود بزبان خویش

سخن گفته اند و میگویند، اجباری ساخته است. بسخن دیگر آنها مجبورند نوشتن و خواندن را بزبان فارسی و با کتب فارسی انجام دهند. برای آنکه در کتب این میلیونها کودک چه میکنند، یک لحظه بیابندیشیم که چه میشد اگر قانونی میلیونها کودک و نوجوان و جوان فارسی زبان را مجبور میکرد که تحصیل را باید برعکس بزبان آذربایجانی یا کردی انجام دهند؟

متن جدید مصوبه خبرگان میگوید: «اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با خط و زبان فارسی باشد.» استفاده از زبانهای محلی را تنها در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی، آزاد شناخته است. داشتن حق تحصیل بزبان مادری، خواندن و نوشتن بزبان مادری، مدارس و کتب درسی بزبان مادری، یک حق ابتدائی بشری، یک حق مسلم هر ایرانی، آنهم بعد از انقلاب بزرگی است که تمام ملیتهای ساکن ایران به تساوی و با دادن قربانیهای فراوان در آن شرکت کرده اند. مجلس خبرگان، با تحریف متن پیش نویس و برداشتن حق «استفاده از زبانهای محلی در مدارس» و اجبار به آنکه کتب درسی بفارسی باشد، در راه خطرناکی کام نهاده است. در راه نفاق و جدائی، در راه تحمیل و سرکوب. پیش نویس قانون اساسی درست تر منویات مردم ایران را، در تمام تنوع آنها، در درون وحدت سراسری کشور، منعکس میکرد. متنقاسنه ماده مربوطه، توسط مجلس خبرگان، از محتوی مثبت و خلقی و انقلابی خود بکلی خالی شده و بکوره راه تحمیل و نفی واقعیات افتاده است. جالب است موقمی که در همین مجلس، پیرامون زبان عربی صحبت میشد، کسانی میگفتند تحصیل این زبان از مدارس ابتدائی آغاز شود. ولی آقای دکتر باهنر، عضو رهبری حزب جمهوری اسلامی و معاون وزارت آموزش و پرورش، از جانب شورای انقلاب، بدستی گفت که این عملی درست نیست و دلیل آنرا هم چنین ذکر کرد که کودک ایرانی بزبان مادری خودش سخن میگوید و از همان ابتدای بدستان نمیتواند بزبان دیگری را بیاموزد.

همین استدلال در مورد تحصیل انحصاری فارسی و کتب درسی انحصاراً بفارسی برای ایرانیان نو آموزی که زبان مادری شان فارسی نیست، صدق میکند.

چرا باید مطالبی که در زمان رژیم شاه مخلوع با آنهمه اصرار و بزور سرنیزه و شکنجه تحمیل میشد، اینک پس از انقلاب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی بازتاب یابد و پیش نویس خود این قانون بکلی کنار گذاشته و عنصر نو و مترقی آن حذف شود؟ در عرض خبرگان لازم دیده اند که اصل جدیدی را بقانون اساسی بیافزایند و تدریس زبان عربی را در دوره متوسطه اجباری کنند. در حالیکه اولاً چنین تصمیماتی در باره جزئیات برنامه تحصیلی در صلاحیت وزارت آموزش و پرورش است و ثانیاً همه کس میدانند که «علوم و معارف اسلامی»، که مورد استناد خبرگان است، در بسیاری از کشورهای اسلامی بزبانی جز عربی تدوین میشود و انتشار مییابد و در کفرانهای اسلامی، حتی در کشورهای عربی، زبانهای دیگری نیز بجز عربی، رسمیت کامل دارند و مورد استفاده قرار میگیرند.

این بحث ادامه دارد

بمناسبت سی امین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان

امروز ۱۵ مهر (هفتم اکتبر)، سی سال از تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان میگذرد. تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان نقطه عطفی در تاریخ اروپا و سراسر جهان است. برای نخستین بار در خاک آلمان، یک دولت کارگری - دهقانی، یک دولت سوسیالیستی، یک دولت صلحدوست پایه گذاری شد. این یک پیروزی تاریخی برای طبقه کارگر و همه نیروهای دمکراتیک، مترقی و صلحدوست در آلمان، در اروپا و در سراسر جهان بود.

طی سی سال گذشته، جمهوری دمکراتیک آلمان، به برکت تلاش فداکارانه خلق جمهوری دمکراتیک آلمان، زیر رهبری خردمندانه و آزموده حزب سوسیالیست متحد آلمان، و برغم تمام توطئه ها و خرابکاریهای امپریالیسم جهانی، بویژه میلیتاریست ها، انتقامجویان و مرتجعین آلمان فئودال، بیک کشور شکوفان سوسیالیستی، بیک عامل استوار و پیگیر صلح و امنیت در اروپا و جهان، بیک نیروی پیشیمان جنبشهای انقلابی و آزادیبخش در سراسر جهان تبدیل گردیده است.

دستاوردهای بزرگ جمهوری دمکراتیک آلمان در زمینه های اقتصادی و فرهنگی، با توجه به خرابیهای عظیم ناشی از جنگ دوم جهانی و ارثیه شوم آلمان هیتلری، با توجه به توطئه ها و خرابکاری های دشمنان جمهوری دمکراتیک آلمان، که در رأس آنها امپریالیستهای امریکائی و میلیتاریستها، انتقامجویان و مرتجعین آلمان فئودال قرار دارند، اعجاب انگیز است. جمهوری دمکراتیک آلمان هم اکنون در زمره ده کشور صنعتی جهان قرار

گرفته است. دستاوردهای بزرگ جمهوری دمکراتیک آلمان در زمینه های اقتصادی و فرهنگی، با توجه به خرابیهای عظیم ناشی از جنگ دوم جهانی و ارثیه شوم آلمان هیتلری، با توجه به توطئه ها و خرابکاری های دشمنان جمهوری دمکراتیک آلمان، که در رأس آنها امپریالیستهای امریکائی و میلیتاریستها، انتقامجویان و مرتجعین آلمان فئودال قرار دارند، اعجاب انگیز است. جمهوری دمکراتیک آلمان هم اکنون در زمره ده کشور صنعتی جهان قرار

گرفته است. دستاوردهای بزرگ جمهوری دمکراتیک آلمان در زمینه های اقتصادی و فرهنگی، با توجه به خرابیهای عظیم ناشی از جنگ دوم جهانی و ارثیه شوم آلمان هیتلری، با توجه به توطئه ها و خرابکاری های دشمنان جمهوری دمکراتیک آلمان، که در رأس آنها امپریالیستهای امریکائی و میلیتاریستها، انتقامجویان و مرتجعین آلمان فئودال قرار دارند، اعجاب انگیز است. جمهوری دمکراتیک آلمان هم اکنون در زمره ده کشور صنعتی جهان قرار

گرفته است. دستاوردهای بزرگ جمهوری دمکراتیک آلمان در زمینه های اقتصادی و فرهنگی، با توجه به خرابیهای عظیم ناشی از جنگ دوم جهانی و ارثیه شوم آلمان هیتلری، با توجه به توطئه ها و خرابکاری های دشمنان جمهوری دمکراتیک آلمان، که در رأس آنها امپریالیستهای امریکائی و میلیتاریستها، انتقامجویان و مرتجعین آلمان فئودال قرار دارند، اعجاب انگیز است. جمهوری دمکراتیک آلمان هم اکنون در زمره ده کشور صنعتی جهان قرار

میخواهند دهقانان را از خانه خود بیرون کنند

بهنگام اصلاحات نیمبند شاه مخلوع، هر گونه کوششی بعمل آمد تا حق دهقانان زحمتکش ضایع شود. یکی از این تمسبات مربوط بود باینکه زمین محوطه خانه رعیت هارا نسق نکردند. حالا مالکان که میبینند دولتیان نظر لطف نسبت به آنها دارند، میکوشند به دلیل نسق نشدن زمینهای محوطه خانه های دهقانان این زمینها را از آنها بگیرند. اربابها بهانه آورده اند که زمین خانه ها با نام دهقانان نسق نشده و زمین دهقانان فقط همان مزرعه است. مالکان میگویند که اگر قصد ساختن خانه دارید، مقداری از مزرعه را خشک کنید و در آن خانه بسازید این یک زورگویی بی سابقه است. دهقانان نمیتوانند باور کنند که در جمهوری اسلامی چنین ظلمی بر آنها وارد شود. دهقانان نمیتوانند بخشی از زمینها را، که معمولاً از یک هکتار بیشتر نیست، بخانه اختصاص دهند. چنین عملی از نظر قانونی ممکن نیست و از نظر اقتصادی منجر به کمرشکن محصول میشود. بگذریم از اینکه، کدا مدهقانی باینهمه گرفتاری میتواند از نو خانه ای برای خود بسازد و در کجا باید

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، هر چه تکمه به اینک فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگوار بیبار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس «مردم»

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بمناسبت سی امین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان، نامه شادباشی برای کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ارسال داشته است.

احسان طبری

تحلیلی از وضع جهان

۱- دیالکتیک عامل داخلی و خارجی و نقش فرایندها توده‌ها

امپریالیسم و نیروهای ضد مردمی دوست دارند مردم رادر امور شخصی و گرفتاریهای خانوادگی خود غرق کنند و با آنها چنین تلقین نمایند که سیاست تنها کار سیاستمداران است، پرداختن به امور سیاست اصولاً نکتت میآورد و دخالت در آن خطرناک است و «چو آبینی سلامت در کنار است» و لزومی نکرده است که مردم از سیاست چیزی در سر بیاورند و درباره آن به کنجکاوای پیردازند. این نیروهای سیاه‌کسانی را که در سیاست «فضولی» کنند، به مجازات های شدید میرسانند. و حال آنکه هیچ کار شخصی و خانوادگی وجود ندارد که سیاست آنرا تحت تاثیر تند یا کند خود قرار ندهد. سیاستمداران ضد مردمی، در پس پرده، توطئه‌های خود را علیه مصالح سرپای یک جامعه میچینند و این جامعه است که سرانجام باید تاوان آنرا پس بدهد، جنگها، انقلابها، بحرانهای سیاسی و اقتصادی، تورم و گرانی، کمبود کالا، افت تولید، دشواری مسکن، مشکلات آموزش، دشواریهای ترافیک و مسافرت و امثال آنها که بزندانگی شخصی و خانوادگی مازیان میرسانند، همگی در «مطبخ سیاست های خاص» تدارک دیده میشود. اگر مردم از «موز» و «چم و خم» سیاست سر در بیاورند، سیاست مترقی را از سیاست ارتجاعی متمایز سازند، نیروهای سیاسی و شکر عمل آنها را باز بستانند، دوست را از دشمن تشخیص دهند، بموقع در برابر رویدادها واکنش کنند، زیر بار حرف زور نزنند، فریب سخن بظاهر مطبوع را نخورند و غیره و غیره آننگاه به عاملی موثر در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش بدل میشوند.

امپریالیسم و ارتجاع چون نمیخواهند مردم در بند و بستهای قمار مانند سیاسی آنها، مزاحم آنها باشند، چون مایل هستند تمام افزارهای سیاست، مانند دولت، احزاب، مطبوعات و رسانه‌های گروهی، بنیادهای آموزشی و تبلیغاتی و غیره را تحت نظارت و کنترل خود داشته باشند، لذا مردم را بهمه چیز ممکن سرگرم میکنند تا از سیاست دور نگاه دارند، و خودشان به فراغ بال نقشه‌های محیلا نه خود را بکشند و اجرا کنند و بهدفعهای مغرضانه و سودجویانه خود دست یابند. بهمین جهت عامداً مانع رشد سطح آگاهی عمومی جامعه میشوند.

در حالیکه یک ملت رشید باید درباره وضع سیاسی کشور خود و جهان تصور روشنی داشته باشد و از مسائل سیاسی جدی جهان و ایران با خبر باشد و برای اینکار بکوشد تا سطح آگاهی و درک خود را بالا برد و از جریان بفرنج سیاست و سرشته‌ها و مراکلهای آن باخبر گردد.

در دنیای ما، ما بین وضع جهان و وضع کشورهای جداگانه، پیوند برقرار است. دنیا کوچک شده است، شما در عرض چند ساعت میتوانید یکسره به هر گوشه جهان مسافرت کنید، رسانه‌های گروهی در عرض چند دقیقه شما را از رخدادهای نقاط مختلف با اطلاع میسازند، بسیاری از مردم با زبانهای مختلف آشنا شده‌اند و جراید و مجلات و کتب را در آن زبانها میخوانند و از افکار و داوریهای دیگران با خبر میشوند، جهانگردی و آموزش بین ملتها افزایش شگرف یافته است. امروز دیگر حادثه‌ای که در وینتام یا نیکارا گوهر رخ میدهد، قادر است که ما را تکان دهد. چنانکه حوادث انقلاب وطن ما را روزمره صدها میلیون نفر روی صفحه تلویزیون دنبال کرده‌اند. عکس سیاستمداران، صدای آنها، منظره حوادث، بوسیله رسانه‌های گروهی طی یکروز در جهان پخش میشود. دنیا به یک خانه تبدیل شده است و اهالیش به ساکنان آن خانه شبیه شده‌اند که از کم و کیف امور یکدیگر با خبرند.

این کوچک شدن دنیا در اثر ارتباطات سریع، ناچار منجر به آن شده است که تأثیر عامل خارجی و عامل داخلی درم بیش از گذشته است. بطوریکه هیچ حادثه محلی نیست که انگیزه‌های ژرف آن در رویدادهای جهانی نباشد و یا هیچ رویداد محلی نیست که اثرات خود را در روند حوادث جهانی باقی نگذارد. جوئیهای محلی و ملی حوادث تاریخی بیش از پیش به یک شط واحد خروشان و جوشان مبدل میشود.

اگر بخواهیم این مطلب را بدانیم که ما بین عامل خارجی و عامل داخلی، بعنوان انگیزه یک رویداد تاریخی، کدام مهمتر است، البته بطور عمده باید گفت، عامل داخلی، زیرا بهر جهت و در آخرین تحلیل، این مردم یک کشورند که باید جلوه گاه و منعکس کننده تاثیرات خارجی باشند. این حکم بطور کلی درست است، ولی نه در هر مورد خاص. موارد خاصی هست که میتواند نقش عامل خارجی قاطع باشد، فی‌المثل در مورد سرنوشت رژیم‌های استبدادی محمدعلی قاجار و محمد رضا پهلوی، در این رویدادهای داخلی مردم ایرانند که نقش قاطع را ایفا کرده‌اند، ولی مثلاً در سرنوشت رضا پهلوی عامل جنگ جهانی، یعنی یک عامل خارجی عامل قاطع بود. طبیعی است که حتی در این مورد اخیر نیز نقش مردم زیاد است، زیرا اگر بفرس محال مردم ایران، ارتش ایران، این دیکتاتور خودکامه منفور را می‌پسندیدند و دوست میداشتند، حتی عامل نیرومند جنگ جهانی نیز قادر نبود سرنوشت کند. اینکه سرنوشت او «مثل آب خوردن» انجام گرفت، برای آن بود که ریشه‌های نداشته و منفور بود. حتی سید یعقوب انوار و کیسل

مجلس ساختگی او، بمحض رفتش، تسبیح دانه کهر با را با صدای جلتی گردانند و در مجلس گفت: «الخير في ما وقع!» ولی با اینکه، در کلیه حوادث سده‌های نوزدهم و بیستم ایران ما نقش بزرگ عامل خارجی را در شکل گیری حوادث میبینیم، در قتل قائم مقام و امیر کبیر، در حادثه تنباکو، در جنبش مشروطیت، در تبعید رژیم قاجار به پهلوی، در سقوط پهلوی‌ها و غیره. منتها گناه بزرگی است اگر ما با مطلق کردن عبت عامل خارجی، منظره را چنین مجسم کنیم که گویا مردم ایران تنها آلت سیاستهای خارجی بوده‌اند. مردم ایران خود سازنده تاریخ خویشند و منتها این کار در شرایط مشخص جهان انجام میگیرد که نمیتواند مهر و نشان خود را باقی نگذارد و محال است که امواج عظیم اقیانوس تاریخ عالم در خلیج ما، خیزاب‌های انگیس خود را پدید نیآورد و با موجهای خلیج ما در نیامیزد. چنانکه گفته شد، در آخرین تحلیل مردم معمار حوادث داخلی کشور و همین خود هستند و مردم هم این کار را در صورتی انجام میدهند که در آن، به علتی از علل، ذیمدخل و ذیملاقه باشند.

علاوه بر این خصیصه که یاد کردیم، یعنی خصیصه پیوند و تاثیر متقابل حوادث جهان و ایران، خصیصه دیگر قابل ذکر آنست که تاریخ جهان از لحاظ کیفی، بویژه طی دهه اخیر، وارد مرحله تازه‌ای شده است و آن مرحله عبارتست از افزایش شدید نقش خلقها در شکل گیری حوادث تاریخی. زمانی بود که از اینطرف مثلاً «مترنخ»، صدراعظم متفرعن اطریش- هنگری با امپراطور پیچپه‌ای مگرد و از آنطرف مثلاً «مسموتالیران» وزیر خارجه، با شاه فرانسه قرار و مدار میگذاشت و این آقایان خوشبو و پودر زده و غرق در زر و جواهر، درباره سرنوشت اروپا تصمیم میگرفتند، و فقط دهقان سرکوفته فرانسوی و اطریشی، حتی روشنفکر پر مدعا و احساساتی خیابانهای پاریس و وین هم تنها وقتی شستشان خبردار میشد که دیگر در برابر عمل انجام شده قرار گرفته بودند و تیر از کمان گذشته بود. زیدگان (یا الیت سیاسی) در خفا گاه دام خود را تنیده بودند و همین‌مانده بود که مردم در این دامهای گسترده بپافتند.

اما حالا چنان سیاهان زیمبا بوه و یا پرتوریا و برنجکاران لاٹوس و کامبوج و پساتونزانه‌های فلسطینی و نفتکران ایرانی و مردم کشورهای سوسیالیستی در سیاست جهانی مداخله دارند، سهاست میسازند، حوادث را اداره میکنند، که مستر کارتس و مستر برژینسکی را بارها غافلگیر میکنند و به تحیر و امیدارند و آدمیرال ترنر، رئیس «سپا»، مجبور است اعتراف کند که کور خوانده بود.

چنانکه در مورد انقلاب ایران جناب ایشان اعتراف کرد: دنیا عجیب عوض شده! بقول فردریش دوم پادشاه آلمان: «آه چه چرخشی بنا به مشیت ازلی!» روزگار رهبر ارکستر مطلق بودن امپریالیسم و بویژه پسر عموهای آنکلسون (واشنگتن و لندن) سپری و حداقل، رهبر ارکستر دیگری بنام خلق آگاه وارد صحنه تاریخ شده است. اینک دیگر هیچ مسئله سیاسی در جهان نیست که امپریالیسم قادر باشد آنرا تنها بنابر «اراده سیه» خویش حل کند، اینکه دیگر امپریالیسم قدر قدرت نیست. امپریالیسم خواست رژیم کایتانو و فالانژیستهای جان نشین فرانکو و سرتنگان یونان و رژیم ساموزا استبداد محمد رضا و باند خونخوار پل‌یت و بساط فر توت‌های سلاسی و امثال این حیوانات را نگاه دارد، ولی نتوانست. امپریالیسم میخواهد مسیر تشنج زدائی را برگرداند و دوران خش خش سرد را احیا کند، ولی نمیتواند. امپریالیسم میخواهد تورم را متوقف سازد، از بحران انرژی بکاهد، رکود تولید را چاره کند، ولی نمیتواند. صدها و هزارها کمیسون در سطح وزیر و نخست وزیر و رئیس جمهور عاقل و باطل میمانند!

زمانی برای امپریالیسم، به بیان ناپلئون «خواستن توانستن» بود، ولی حالا، کم «خواستن، نتوانستن» است! این بخش را با نقل داستانی شیرین بیایان میرسانیم: در زین الاخبار گردیزی آمده است که تا آخرین شاه طاهریان بنام محمد بن طاهر، مست غرور در گرمگاه روز، سخت در خواب عمیق فرو رفته بود. از جانب یعقوب لیث، قهرمان عیاران خلق، که علیه او و خلیفه عباسی برخاسته بود، رسولی آمد که باین امر دست نشاندگی بگوید: «دیگر دورت بسر آمد، برخیز و حق را بقتدار تحویل بده!» وقتی رسول وارد سرای امیر طاهری شد، صاحب پرده دار او، که محمد نام داشت، به رسول گفت: «امیر بار نمیده، زیرا در خواب است!» رسول یعقوب لیث، با غرش شیر آسا گفت: «کسی آمد کش از خواب بیدار تواند کرد!» اینک کسی آمده، یعنی خلقهای متشکل و بیدار شده جهان، که امپریالیسم را از خواب غرور و تفرعن جنون آموزش میتواند بیدار کند و بیدار خواهد کرد. البته ما هنوز از آن روز فرخ خجسته دوریم که امپریالیسم، این هیولای فتنه انگیز و شر آفرین تاریخ، بی‌شرشود. هنوز قدرتی است دارای پنجه زهر آلود و نیروی وسوسه گرهای ابله‌ساز، ولی آنروز در سر کوهها نیست و نسل جوان ما آنرا لمس خواهد کرد. آنروز خجسته در «دستور روز» تاریخ است و از رؤیای ناشدنی، به واقعیت مبدل میگردد.

بشکیمیم، واثق باشیم و در سنگر رزم و طلب استواری نشان دهیم!

مقاله بعد: «درباره روند واحد انقلاب جهانی»



نظر صدراعظم آلمان فدرال و رئیس جمهوری فرانسه در مورد مرکز آموزش نظامی شوروی در کوبا

حکومت اشعیت صدراعظم آلمان فدرال و رئیس‌جمهوری فرانسه، در مذاکرات اخیرشان، در مورد مرکز آموزش نظامی شوروی در کوبا اظهار نظر کردند که حضور یک تیپ رزمی شوروی در کوبا به هیچوجه توازن استراتژیکی جهانی را برهم نخواهد زد و به تعویق انداختن تصویب عیلمان سالت ۲- (محدود کردن سلاحهای استراتژیکی) از طرف آمریکا موردی ندارد. بدنبال کارزار تبلیغاتی علیه کوبا، دولت آمریکا قصد دارد به بهانه «حضور نظامی شوروی در کوبا»، ۱۵۰۰ تنفکدار دریائی به پایگاه نظامی خود «گوانتانامو»، مستقر در سرزمین کوبا، اعزام دارد.

شبکه پایگاههای نظامی آمریکا در جهان

در حال حاضر ۴۰۰ پایگاه نظامی زمینی و دریائی و هوائی آمریکا در ۲۹ کشور جهان مستقر است. علاوه بر این، وزارت دفاع آمریکا یک نیروی صدوره از افری و واکنش سریع، با ماموریت اشغال منطقه خلیج فارس تشکیل داده است و پایگاه نظامی خود در دیکوگاریا، واقع در اقیانوس هند، را نیز گسترش داده و با سلاح هسته‌ای مجهز میکند. آمریکا، به سافت صدها کیلومتر در امتداد مرزهای کشورهای سوسیالیستی در اروپا، صدها راکت «پرشینک» با کلاهک اتمی، هزارها تصدوهایمائی نیروی دریائی، هفتصد هواپیما عملیاتی تاکتیکی و ۱۶۰ هواپیما بمب افکن ف-۱۱۱ که مجهز به سلاح اتمی هستند، مستقر کرده است.

جهان سرمایه‌داری در زیر امواج اعتصاب

● لیسبون - اعتصاب ده‌روزه کارگران و کارکنان بندر «لی‌وشی» در پرتغال، با پیروزی زحمتکشان به پایان رسید. کارفرمایان در برابر اعتصاب یکپارچه زحمتکشان ناگزیر شدند برنامه جدید کار را که بزبان زحمتکشان تنظیم شده بود، لغو کنند.

● سیدنی - اعتصاب ۲۴ ساعته همگانی در زلاند جدید، که سراسر فعالیت اقتصادی کشور را متوقف ساخته بود، به پایان رسید. اعتصاب کنندگان افزایش دستمزد و بهبود شرایط زندگی را خواستار بودند.

● رم - در اواخر سپتامبر (اوائل مهرماه) تمام مدارس ایتالیا تعطیل شد. آموزگاران و کارمندان مدارس کشور به نشانه همبستگی با صدها هزار کارمند ادارات دولتی، که خواستار افزایش حقوق و جلوگیری از تورم روزافزون بودند، به اعتصاب همگانی در سراسر کشور پیوستند.

● پاریس - قریب صدوسی هزار نفر از زحمتکشان صنایع نیرو و گاز فرانسه، بمناسبت گرانی روزافزون قیمتها، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و زندگی را طلب کردند.

● بن - جوانان بیکار ایالت «سار» در جمهوری فدرال آلمان، به نشانه اعتراض علیه بیکاری، دست به تظاهرات وسیعی زدند. تظاهر کنندگان از مقامات دولتی خواستند که برای پایان دادن باین وضع تدابیر جدی اتخاذ کنند. سال جاری بیش از نیمی از ۲۱ هزار نفر فارغ‌التحصیلان هنرستانها و مدارس متوسطه این ایالت بیکار مانده و حتی نتوانسته‌اند در موسسات صنعتی به عنوان کارآموز استخدام شوند.

از انتشارات حزب توده ایران

عنوان	مؤلف
گفتاری درباره امپریالیسم	نورالدین کیا نوری
برخی مسائل جد انقلاب ایران (مجموعه‌ای از مقالات منتشره در «مردم»)	احسان طبری
اقتصاد سیاسی (درسنامه)	ف. جوانشیر
ماتریالیسم دیالکتیک (درسنامه - کتاب اول)	امیر نیک آئین
ماتریالیسم تاریخی (درسنامه - کتاب دوم)	امیر نیک آئین
چهره‌های درخشان	مریم فیروز
داوریهای بی‌جانا بجا (مجموعه‌ای از اظهارات سیاستمداران و شخصیتهای خارجی درباره کشورشورها، در دوران پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر)	گردآورنده: ف. حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
(مجموعه مقالات منتشر شده در «مردم»)	

از کمکهای دوستان اسپاسگزاریم

ق. محمدی (از کتید) ۳۰۰ ریال
 ع. پروانه هوشنگ کمک مالی شمارید
 حسینی ۴۰۰ تومان